

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۱۳ جولای ۲۰۱۶

مثلت ستراتیژیک: مسکو – تهران – تل ابیب

یک حقیقت مسلم است که روسیه و ایران از سال ها بدینسو در چندین ساحه با هم همکاری داشته اند: همکاری های نظامی، سیاسی، فرهنگی و تخنیکی. باوجود تعزیرات شدید اقتصادی علیه ایران، دادوستد در تمام ساحات بین این دو کشور در جریان بوده است، اما تا حدی که روسیه مسوول تخطی از تعزیرات علیه ایران تلقی نگردد. هم اکنون، این دو کشور در حمایت از نظام بشار اسد در سوریه مقابل قدرت های غرب خاصاً امریکا با هم تشریک مساعی می نمایند و نمی گذارند که نظام اسد به آسانی سقوط نماید. در ساحه همکاری های اتمی هم این دو کشور فعال اند. مسکو قبلاً اعمار یک ریاکتور هسته ئی را برای ایران تکمیل نموده و تصمیم دارد که چند ریاکتور دیگر برای ایران اعمار نماید که برای مقاصد "صلح جویانه" استفاده خواهد شد. روسیه کماکان به ایران اسلحه می فروشد و در صدد ارسال راکت های دفاعی اس ۳۰۰ (S-300) است تا قابلیت دفاعی ایران را طور چشمگیری بالا ببرد و این کشور را از گزند حملات احتمالی هوایی اسرائیل و امریکا تا حدی در امان داشته باشد.

زیربنای همکاری هر دو کشور در زمینه های نظامی، دشمنی هر دو کشور با امریکا و در مجموع غرب است. هکذا سعی هر دو کشور در مهار کردن گروه های پیرو دموکراسی غرب که از نظرگاه تهران و مسکو می توانند آله دست و تخته خیز دستگاه های استخباراتی غرب باشند، برای روسیه و ایران وجه مشترک می دهد. باوجود اختلافاتی که تا حال لاینحل باقی مانده و روابط هر دو کشور را خدشه دار ساخته است، رهبران روسیه و ایران منتهای کوشش خود را دارند که در حالت کنونی و فشار روز افزون غرب، وجوه مشترک بین خود را بیشتر مورد توجه قرار دهند. منازعه بر حدود جغرافیایی بحیره کسپین، تأخیر در خصوص تکمیل ریاکتور اتمی بوشهر و همچنان بد قولی مدویف به ارتباط تحوله دستگاه های راکت ضد هوایی اس ۳۰۰، روابط این دو کشور را در گذشته مخدوش ساخته بود. اما با برگشت پوتین به ریاست جمهوری روسیه و روش خشن امریکا و غرب به سوی روسیه و ایران، رهبران این دو کشور را بیشتر به همکاری تا منازعه دعوت نمود. علی رغم فشار و اعتراض امریکا و اسرائیل، پوتین ارسال راکت های اس ۳۰۰ را به ایران وعده داد که به زودی هم در ایران قابل بهره داری خواهد بود. با نظر داشت این که تعزیرات مالی و اقتصادی غرب علیه ایران تا اندازه ای کاهش یافته و در بعضی قسمت ها از بین رفته است، همکاری دو جانبه بین ایران و روسیه در سال های آینده گسترش خواهد یافت و کمک های نظامی و صنعتی روسیه در ایران طور چشمگیری رو به تزايد خواهد بود.

در عین زمانی که روابط مسکو و تهران گسترش می یابد، تحولی هم در روابط روسیه و اسرائیل پدید آمده است. حجم صادرات و تبادلات فرهنگی بین اسرائیل و روسیه پوتین نسبت به گذشته افزایش یافته و رو به صعود است. همچنان، اسرائیل یک منبع خوبی برای روسیه غرض به دست آوردن تکنولوژی نظامی است که می تواند در مدرن ساختن اردوی عظیم روسیه کمک نماید. روابط توریستی هم طور قابل ملاحظه ای انکشاف کرده و سالانه هزار ها تن از سیاحان روسی در سواحل اسرائیل غسل آفتاب می گیرند. نکته قابل توجه درین جا نفرت هر دو کشور از اداره اوباما است که روسیه و اسرائیل به یک نحوی از آن دلخور اند. این یک موفقیت بزرگ سیاسی و دیپلماتیک برای روسیه است که در یک زمان با دو خصم به ظاهر آشتی ناپذیر روابط حسنه و نزدیک برقرار ساخته بدون این که اعتراض جانب دیگر را تحریک نماید. در آغاز تصمیم روسیه در ارسال راکت های ای ۳۰۰، اسرائیل بنای قال و مقال و اعتراض را گذاشت، لکن چون در صحنه سیاست جهانی احساس تنهائی نمود، از تداوم اعتراض خود دست کشید و درک نمود که نه امریکا و جهان غرب به اعتراضش وزن می دهند و نه پوتین به آن وقعی قایل می شود. بناءً، تل ابیب راه سازش را با مسکو در پیش گرفته تا اگر بتواند از طریق دیپلماسی خود را به سوی مسکو نزدیک سازد و از نفوذ سیاسی روسیه استفاده مثبت نماید. تل ابیب همچنان متوجه شده است که روسیه بار دیگر در صحنه سیاست جهان قدرت نمائی می کند و غرب به آسانی نمی تواند روسیه را به زانو در آورد. ضمیمه ساختن جزیره کریمیه و بالاخص مداخله در سوریه به نفع بشار اسد، اسرائیل را متقاعد ساخته است که نزدیکی با مسکو بهتر از دوری آنست.

معلوم می شود که روسیه توانائی همکاری سیاسی، نظامی، تجارتی و فرهنگی را در یک زمان با ایران و اسرائیل دارد، اما در عین وقت متوجه است که موازنه به هم نخورد. روسیه هنوز هم یک قدرت جهانی محسوب می شود و قدرت های بزرگ در بازی ها سیاسی خود در سطح دنیائی با کشور ها و نظام های متفاوتی در دادوستد اند، بدون این که صدای اعتراض یک کشور دیگر بلند گردد. بعضاً داشتن روابط با قدرت های بزرگ باعث می شود که کشور های کوچک متخاصم که در محور قدرت های بزرگ می چرخند، با هم نزدیک شده و تفاهم فیمابین حاصل نمایند. البته نباید متصور بود که تهران و تل ابیب به این آسانی بتوانند از طریق مسکو حس اعتماد متقابل نسبت به یک دیگر را پیدا نمایند و دشمنی های سیاسی، نظامی و منطقه ئی خود را به یک بارگی ترک گویند. لکن محور مسکو شاید روزی قادر شود که به آهستگی و روی الزامات سیاسی و ستراتیژیک منطقه ئی و جهانی دو خصم را با هم نزدیک سازد و یک محور مسکو – تهران – تل ابیب را در صحنه سیاست جهانی به وجود آورد. امریکا توانسته است که هم اسرائیل و هم کشور های عرب وابسته به خود را در آغوش گیرد و با فلسطینی ها رابطه داشته باشد. تصوری می شود که روسیه هم از چنین معادله ای استفاده خواهد برد، با وجودی که راه طولانی در پیش خواهد داشت.

چند عامل می تواند که تهران و تل ابیب را در یک محور ستراتیژیک با مسکو قرار دهد: اول این که، گروه های تند رو جهادی سنی مذهب مانند القاعده و داعش دشمن مشترک این سه کشور هستند. این گروه ها نه تنها ضد اسرائیل و روسیه اند، بلکه نفرت خود را از ایران شیعه مذهب هم پنهان نکرده اند. تیوری این که داعش ساخت غرب و اسرائیل است، می تواند مورد ارزیابی و تحقیق محققین قرار گیرد تا نتیجه گیری های لازم به دست آید. در حالت کنونی و سیاست شرق میانه داعش و القاعده خصومت خود را با ایران شیعه، اسرائیل و غرب و روسیه اعلام داشته و ضربات خود را هم بر این کشور ها و یا منافع آنها وارد کرده اند. در سیاست پر از تشنج و غیر قابل پیش بینی شرق میانه، بعید نخواهد بود که روزی کماندو های ایران و اسرائیل به خاطر هراس از فعالیت سازمان های تروریستی القاعده و داعش، عملیات مشترکی را به راه اندازند که حمایت تکتیکی روسیه را هم خواهد داشت. بایست یادآور شد که اسرائیل از حمایت روسیه و ایران از نظام اسد ناراضی نیست، زیرا تل ابیب می داند که در صورت سقوط نظام اسد، سرحداتش

با سوریه مانند گذشته نخواهد بود و گروه های تندرو اسلامی داعش و القاعده عوض اردوی سوریه در سرحدات مستقر خواهد شد. این حالتی است که اسرائیل هرگز چنین روزی را نمی خواهد. دوم این که، هم ایران و هم اسرائیل به رابطه نزدیک با روسیه نیاز دارند. ایران خواستار حمایت روسیه از ایران در شورای امنیت ملل متحد است که از فشار غرب بر ایران بکاهد. ایران همچنان ضرورت جدی به اسلحه جدید دارد که روسیه بهترین منبع تأمین کننده احتیاجات نظامی ایران خواهد بود. اسرائیل نیز آروز ندارد که روابطش با مسکو متشنج باشد، زیرا می داند که در صورت کشش بین روسیه و اسرائیل، مسکو ایران و حزب الله را بیشتر تقویت خواهد کرد که برای اسرائیل بسیار گران تمام خواهد شد. پس مشاهده می نمایم که داشتن روابط با قدرت های بزرگ و مؤثر چه مفادی را متوجه کشور های کوچک خواهد کرد که در فقدان آن ضررش بیشتر خواهد بود. سوم این که، با تغییرات و تحولات سریع شرق میانه، ایران و اسرائیل هر دو در صدد یافتن قدرت های دیگری اند تا از اتکای قبلی بر یک قدرت بکاهند. تشنج بین اداره اوباما و ناتانیاهو صدراعظم اسرائیل، تل ابیب را انگیزه داده است که راه خود را به سوی مسکو باز نماید. در خلال یکسال، ناتانیاهو و سایر رهبران اسرائیل چند بار به روسیه سفر کرده اند که این خود معنای افزایش وزن سیاسی و جهانی روسیه را نشان می دهد.

روابط ایران و امریکا از حالت سرد گذشته برآمده و به آهستگی به طرف مرحله نوی در حرکت است. فشار سیاسی اسرائیل بر اداره اوباما به ارتباط رفع تعزیرات اقتصادی بر ایران و موضوع پروگرام اتمی این کشور به نتیجه نرسید و اداره اوباما راه را برای روابط جدید امریکا و ایران باز نموده ولو که دشوار و طولانی خواهد بود. تشنج در روابط امریکا و اسرائیل و دشواری در عادی شدن روابط بین ایران و امریکا، روسیه را در موقف بهتر قرار داده تا ایران و اسرائیل را یکجا به آغوش بکشد و تعادل را ماهرانه حفظ نماید. همانطوری که امریکا توانست در عادی ساختن روابط میان مصر، اردن و اسرائیل کمک نماید که سرانجام به عقد معاهدات صلح انجامید، تل ابیب هم متوقع است که روسیه روزی چنین نقشی را در روابط تهران و تل ابیب بازی نماید و خصومت ذات البینی ایران و اسرائیل را کاهش دهد. عادی شدن احتمالی روابط بین تهران و تل ابیب باعث خواهد که عملیات نظامی حزب الله قائم مقام ایران در لبنان علیه اسرائیل تقلیل یافته و یا احتمالاً متوقف گردد که در سیاست شرق میانه هر گونه تغییرات دور از انتظار نخواهد بود.

با وجود موفقیت های نسبی پوتین در داخل و خارج، راه طولانی در پیش است که مسکو بتواند جای واشنگتن را در صحنه سیاست جهانی بگیرد. امریکا هنوز هم حامی اسرائیل در تمام زمینه ها خواهد بود. عادی شدن روابط اسرائیل و ایران مدت ها طول خواهد کشید که در آینده قریب قال تصور نیست، اما در سیاست متوجه شرق میانه دور از امکان نخواهد بود. ایران از یک جانب قادر است که از کشور های دیگر احتیاجات نظامی خود را تکافو کند و اتکای خود را بر مسکو کاهش دهد، اما از جانب دیگر به پشتیبانی روسیه در شورای امنیت احتیاج مبرم دارد. پوتین اکنون توانائی این را دارد که دست به مانور های مختلف بزند و نقش مسکو را در سیاست جهانی برآزنده سازد، لکن عوامل دیگری باعث خواهد شد که نقش مسکو را مورد سؤال قرار داده و یا به حد اقل برساند. اول این که روسیه در کدام وضع اقتصادی خواهد بود که بتواند موقف یک قدرت جهانی را حفظ نماید. دوم این که، آیا جنگ سرد دوم در حال تکوین و گسترش است که درین صورت معادلات سیاست جهانی و منطقه ئی را از ریشه تغییر خواهد داد. در همین لحظات، محور احتمالی مسکو - تهران - تل ابیب برای پوتین موفقیت آمیز خواهد بود به شرط این که از تیوری به عمل مبدل گردد.